



#### عنوان مقاله

بررسی معیار اصلی تربیت انسان، در سیره امیر المومنین (علیه السلام) و صاحب نظران تربیت در غرب

#### نویسندگان

زهرا موسوی اصفهانی

#### مقدمه

از نخستین روزهای خلقت انسان تا امروز اهمیت تربیت برای اکثریت انسانها روشن بوده است و با تمام اختلافات عقیدتی و فرهنگی به این جایگاه فکری رسیده‌اند که موضوع تربیت انسان اصلی ترین مسئله بشریت است و باگذشت زمان، تلاش برای رسیدن به بهترین و کامل ترین مبنا و معیارومیزان تربیتی و درست ترین هدف غایی انسان بیشترشده است ولیکن درکنار این کوشش، غفلت بشر از اصل هدف آفرینش و شناخت جامع و کامل ابعاد وجودی انسان، باعث سرگردانی او گشته و باعث شده اهداف و مبانی و اصول تربیتی دراعصار مختلف متغیر ودرعین حال همراه با کمبود و نقص، باشد. اما آیا انسان امروزی می‌داند که قبل از اینکه او به فکر و تلاش برای تربیت وهدف گذاری برای جنس بشر باشد پروردگار با هدفی مشخص واصل تربیتی کامل که همه ابعاد وجودی انسان را دربرگیرد آدم را خلق کرد و قبل از خلقت، هدف آفرینش انسان را تبیین کرد؟ وازهمه مهمتر آیا خداوند میزانی برای کمال انسان و تربیت جنس بشر ارائه داده است؟

در این مقاله سعی براین است که با بررسی اجمالی مبانی تربیت وبحث درموردمهم‌ترین اصل تربیت که شناخت ابعاد وجودی انسان است، درمورد تلاش انسان و به‌خصوص دنیای غرب، دراستای تبیین مبنا و اصول تربیت و تغافل آن دراین مسیر از میزان و اصل تام انسانیت که خداوند به صراحت او را به عنوان خلیفه خود بر زمین عرضه کرده و پیامبرخاتم (صلی الله علیه وآله) به تایید پروردگار عالم او را نفس خویش و وصی به حق خود و خلیفه الهی معرفی نموده است، بپردازد. و با توجه به این موضوع که امیرالمومنین (علیه السلام)، انسان کاملی است که قرآن کریم، بسیاری از آیات خود را به توصیف ذات پاک ایشان اختصاص داده و او را نمونه کمال و مرجعی برای تربیت و هدایت کل بشر قرار داده است، برسد. کسی که خود، مظهر تام کمال و جمال و مظاهر تربیت اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و... است. و مبانی تمام اصول تربیتی است و تبیین این ادعا در سیره عملی و نظری ایشان چون خورشید آشکار است. کسیکه وجودش، خود، میزان، برای تمام اصول و ابعاد تربیتی بشر است. در این مجال به گوشه ای از این عظمت الهی نیز می‌پردازیم.

#### یافته‌ها و نتایج

با توجه به سیره امیرالمومنین (علیه السلام) که براساس عمق و احاطه الهی نسبت به انسان شناسی است و بعضی از کتب مربوط به آراء صاحب نظران در حوزه تربیت در غرب که اکثرا براساس علوم تجربی و مادی است و مقایسه آراء معلوم می‌شود روش تربیتی برپایه ولایت الهی به دلیل نوع دیدگاه انسان شناسی اش به روش تربیتی در غرب ارجحیت دارد. با توجه به اینکه اساس تربیت، شناخت انسان و هدف آن کمال اوست، ثابت می‌گردد، نگاه الهی به تربیت، باعث کمال انسان می‌شود و اگر در آراء تربیتی، معیار اصلی، که شناخت انسان است، از دیدگاه الهی مورد توجه قرار نگیرد، باعث نقصان در تمام ابعاد وجودی انسان می‌گردد.

#### انسان از دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام)

نگرش ایشان به انسان کاملا منطبق با نگرش قرآن کریم در این مورد است، برخی از سخنان امام (علیه السلام) دلالت بر سرشت و فطرت خوب انسان دارد؛ در این سخنان انسان شریف‌ترین آفریده خداوند معرفی شده است؛ موجودی است که خداوند از روح خود در او دمید و به او دستگاه ادراک و شناخت داد. ایشان در مورد ابعاد مختلف وجود انسان می‌فرماید:

آن‌گاه خدای سبحان، از زمین درشتناک و از زمین هموار و نرم و از آنجا که زمین شیرین بود و از آنجا که شوره‌زار بود خاکی برگرفت و به آب بشست تا یکدست و خالص گردید پس نمناکش ساخت تا چسبنده شد و از آن پیکری ساخت دارای اندامها و اعضا و مفاصل، و خشکش نمود تا خود را برگرفت چونان سفالینه و تا مدتی معین و زمانی مشخص سختش گردانید. آن‌گاه از روح خود در آن بدمید. آن پیکر گلین که جان یافته بود، از جای برخاست که انسانی شده بود با ذهنی که در کارها به جولانش در آورد، و با اندیشه‌ای که به آن در کارها تصرف کند، و عضوهایی که چون ابزارهایی به کارشان گیرد، و نیروی شناختی که میان حق و باطل فرق نهد، و طعمها و بویها و رنگها و چیزها را دریابد. معجونی سرشته از رنگهای گوناگون، برخی همانند یکدیگر و برخی مخالف و ضد یکدیگر، چون گرمی و سردی، تری، خشکی و اندوه و شادمانی، (نهج البلاغه، ۱۰) افزون بر نشانه‌های فوق، امام (علیه السلام) درباره وجود فطرت الهی در سرشت آدمیان سخن می‌گوید، فطرتی که انسان را خدانشناس و خداجو معرفی می‌کند. برای نمونه در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه می‌فرماید: برترین چیزی که توسل جویندگان به خدای سبحان بدان توسل می‌جویند، ایمان به او و به پیامبر (صلی الله علیه وآله) اوست و جهاد است در راه او، زیرا جهاد رکن اعلای اسلام است و کلمه توحید است که در فطرت هر انسانی است. "قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا" بگو: هر کس بر پایه خلق و خوی خویش و عادت‌های اکتسابی خود عمل می‌کند، پس پروردگارتان به کسی که راه یافته‌تر است دانایتر است. «اسراء-۸۴»

در مقاله در کنار بررسی دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام، دیدگاه چندی از روانشناسان و صاحب نظران در غرب هم مطرح و بررسی شد که در اینجا مجال نیست.

#### بحث و نتیجه گیری

در نگاه حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) برخلاف باور پیروان اصالت جامعه، روان شناسان رفتارگرا، انسان و حتی تمام موجودات با سرشت و طبیعت خاصی آفریده شده اند که این سرشت اولاً: مقتضای آفرینش انسان است و اکتسابی نیست، ثانیاً: همه افراد بشر با هر نژاد، رنگ و زبان از این سرشت برخوردارند، ثالثاً: این طبیعت شدت و ضعف می‌پذیرد، اما تبدیل و تحویل در آن راه ندارد. (بهرامی، ۱۳۷۹)

با در نظر گرفتن کلام امیرالمومنین (علیه السلام) به عنوان یک میزان، باید به این نکته اذعان داشت که یک انسان نمی‌تواند مسائل متفاوتی را که خداوند در وجودش به صورت فطری نهادینه کرده است، انکار کند مگر با انحراف جریانهای ذهنی هدفدار، و توجیه عملکردایان در انکار متفاوتیک، بنابراین حتی اگر نکاتی در این جریانهای تربیتی مفید و موثر در تربیت درست انسان باشد ولی به جهت انحرافات در هدف غایی و اصلی که کمال انسان از نظر روح و جسم است مطمئناً به نتیجه مطلوب نمی‌رسد چنانکه تاریخ این موضوع را آشکارا تایید می‌کند.

با توجه به دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام)، انسان فطرتی خدا جو دارد و به دنبال خوببهاست و بدبها را نمی‌پسندد ولی درعین حال در روح و جسم خود، بصورت بالقوه و یا گاهی بالفعل، خصوصیات دارد که او را به چالش می‌کشد زیرا با فطرت پاکش در تعارضند و در اینجا نقش مربیان الهی و غیر الهی بر تعالی انسان آشکار می‌گردد که با توجه به آنچه در خارج وجود انسان وجود دارد و بر رشد او تاثیر گذار است و آنچه از رذایل و خوببها در وجودش آمیخته است، راه فطری خود را که کمال گرایی و پیشرفت همسان روح و جسم انسان هم در دنیا و هم در آخرت است را به دست آورد.

#### روش

به روش کتابخانه ای و با استفاده از بررسی مفهوم واژگان در عرف لغت شناسی و عرف مصطلح در آثار اسلامی و غربی است. و از روش توصیفی مبتنی بر تحلیل متن نیز استفاده شده است. این بررسی بنا به موضوع و سوالات خود از روش توصیفی بر تحلیل متن بهره می‌گیرد. تحلیل متن از جمله روشهایی است که برای پاسخ به سوالات توصیفی از آن استفاده می‌شود.

#### منابع

۱. نهج البلاغه
۲. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۴۰۴ق
۳. خلیل بن احمد فراهیدی، المعین، قم، هجرت، بی تا، دوم، ۱۴۰۹ق
۴. حسین بن محمد رغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، بی تا، اول، ۱۴۱۲
۵. مکاتب فلسفی و آراء تربیتی (جرالدال گوتک)، مترجم: محمدجعفر پاک سرشت، سوم، ۱۳۸۲
۶. مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۰، چهارم
۷. ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول، مکتبه بصیرتی
۸. جوزو و. ت واج بکر، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲
۹. فروم، ریک، دل آدمی، ترجمه: گیتی خوشدل، بیکان، ۱۳۹۵،
۱۰. ام اسکات پک، روان شناسی شرارت، ترجمه علی مفتخری، علمی، ۱۳۹۵
۱۱. مزلو، ابراهام، افتخای والاتر فطرت انسان، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس، ۱۳۷۴
۱۲. دویو، رنه، جانور یا فرشته، ترجمه اکبر معارفی، تهران، نشر پرواز، ۱۳۷۵
۱۳. سارتر، ژان پل، اصول فلسفه اگزیستانسیالیسم، ترجمه پزشکیور، انتشارات شهریار، ۱۳۴۵
۱۴. فروید، زیگموند، اصول روان کاوی بالینی، ترجمه سعید شجاع شفتی، ققنوس، ۱۳۹۳
۱۵. فرانکل، ویکتور، خدا در ناخودآگاه، ترجمه ابراهیم یزدی، نشر رسا، ۱۳۷۵

